

۲۰۱۸/۱۴۷

از کران تا کران،
از دریا به دریا...

داریوش شایگان
با مقدمه هانری کربن

ترجمه گلنار گلناریان



تهران، ۱۳۹۷

سرسناسه: شایگان، داریوش، ۱۳۹۷-۱۳۱۳.
عنوان و نام پدیدآور: از کران تا کران از دریا به دریا... مجموعه اشعار/داریوش شایگان؛
ترجمه گلنار گلناریان؛ با مقدمه علی دهباشی.
مشخصات نشر: تهران: شهاب ناشر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۷۶-۰۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: De mer en mer, de rivage en rigave, 1972.

موضوع: شعر فرانسه - قرن ۲۰م. - ترجمه شده به فارسی

موضوع: French poetry - 20th century - Translations into Persian

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از فرانسه

موضوع: Persian poetry - 20th century - Translations from French

ترجمه افزوده: هاناریان، گلنار، ۱۳۶۲ - مترجم

ردیف: بند: نگاره: ۱۳۰ الف ۴۵ الف / PQ۲۶۷۳

ردیف: بند: دیور: ۸۴۱/۹۰۲

شماره: آشنایی ملی: ۵۵۷۳



از کران تا کران از دریا به دریا..

مجموعه اشعار داریوش شایگان

با مقدمه هانری کرین

ترجمه گلنار گلناریان

عکس و طرح جلد: جواد آتشباری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

تهران - صندوق پستی: ۱۶۶ - ۱۵۶۵۵

تلفن: ۶۶۴۱۸۵۰۱

فهرست

۹	داشته / علی دهباشی
۱۱	مقدمه / خورشید کرمی
	از کران تا کران، از دریا به دریا...
۱۷	اگر خود را ندیده بودم
۱۹	عطشی برمی آفریند
۲۱	فرزندم بیندیش...
۲۳	قدم های تو
۲۵	خلوتگاه پنهان
۲۶	تا به کی...؟
۲۷	تو قلم هستی و کاغذ...
۲۹	قدم هایی که گم می شوند...
۳۰	اگر دنیایت نابود شود...
۳۲	بالی که تسلیم می شود
۳۳	هر صفحه ای که ورق می زنی...
۳۶	کجایند عطره هایی که می مانند؟
۳۷	به من که برمی گردم...
۴۰	اگر دراز بکشم...
۴۲	باز دارندۀ نباشیم دست ها را...
۴۳	قطره آب
۴۵	آیا می توان هیچ گاه جدا کرد؟
۴۶	برخی می اندیشند...
۴۸	تو فرشته ای...؟
۵۰	من آن شاعرم...
۵۱	از کران تا کران... از دریا به دریا...
۵۴	مقدس خواهم شمرد...

۵۵	آیا هیچ‌گاه خواهم دانست؟
۵۷	خسته‌ام از روزهایی که می‌آیند و می‌روند...
۵۹	تصویر کودکی
۶۱	آه ای شبی که می‌گریزی...
۶۳	روزها پیر خواهند شد...
۶۵	گریز قدم‌های من
۶۷	آنگاه که انتظار فرسوده شود...
۶۸	کاخ‌هایی که فرومی‌پاشند...
۷۰	آن‌گاه که فرزندان...
۷۲	گر بی‌م...
۷۳	کینه‌اند آنان که...
۷۵	به من بگو تو کیستی
۷۷	ستاره سحرآمیز
۷۸	آن‌گاه که دست‌ام...
۷۹	در پناه خواب تو
۸۰	خطر دریا
۸۲	بدان گونه که آب‌سار هر دم می‌شوند...
۸۴	کلماتی که تکرار می‌شوند...
۸۵	حروف رقصان
۸۶	رویایم می‌گریزد...
۸۷	مروارید روشن...
۸۸	همچون قلبِ تهیِ دهل...
۸۹	مجسمه ناتمام
۹۰	به‌سان سایه‌ای آشفته...
۹۱	چراغ انتظار من
۹۲	هزاران و هزاران بار...
۹۳	هماهنگی بی‌نظیر
۹۵	من آن بذرم که رشد می‌کند...
۹۶	تو آن برهم زدنِ بال‌هایی...
۹۸	هرکه یاری را در صحرا می‌جوید...
۹۹	به تو که می‌میری و دوباره جان می‌یابی...
۱۰۰	تو ای کودکی که آرمیده‌ای...
۱۰۲	سایه‌ای است در پی من...
۱۰۴	هرنگاهی که به من می‌افکنی...
۱۰۵	و نه حرف‌هایی که برهم انباشته می‌شوند...
۱۰۷	تو خود را در شب فرو بردی...
۱۰۸	در چشمانِ بارانی تو...
۱۱۰	زورقِ انتظار من...

۱۱۱	تنها به آنان متعلقم
۱۱۳	هیچ کس این شعله پنهان را نمی شناسد...
۱۱۵	معمای بی نظیر
۱۱۶	می خواهم که بمانی...
۱۱۷	اگر می دانستی...
۱۱۹	به هر آنجا که پا می گذارم...
۱۲۱	آنان که درد می کشند...
۱۲۲	منتظر خواهم ماند...
۱۲۳	سلطانیه
۱۲۴	زائری گمگشته
۱۲۶	نوبی که در مسیر مرا انتظار می کشی...
۱۲۸	ن آن سکوت که منقلب می کند...
۱۳۰	هیچ اشک من اثر نمی کند...
۱۳۱	موسیقی ایران
۱۳۲	تو آن شاعرانی
۱۳۴	شهاب
۱۳۵	شعراز منظر دکتر دایم شایگان
۱۴۱	کتابشناسی کتاب های دکتر دایم شایگان

مقدمه

سرزمین پارس تا مائزین هاست به عادت، آن را به این نام می‌نامیم و یا ایران، آن‌طور که ایرانیان می‌نامندش. سرزمین فلاسفه و شعراست. در میان فلاسفه بسیاری که فرهنگ پارسی را به دنیا معرفی کرده‌اند، به سختی می‌توان کسی را یافت که شاعر نبوده باشد و ارسو یوانی به جا نگذاشته باشد. در مقابل، پیشرفت و ترقی هر شاعر پارسی برانگیخته از بهام متافیزیکی مداومی است.

با این حال می‌دانیم که ایران امروز در میان گوناگونی عمیقی است که این کشور را در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ فتح‌ناپذیر قرار می‌دهد. آیا سرزمین فلاسفه و شعرا از این دگرگونی جان سالم به در خواهد رفت؟

به این پرسش اینگونه پاسخ خواهم داد که ربع قرن پیش، زمانی که برای نخستین بار به ایران سفر کردم، کسانی که موفق شدم با آنها به گفت‌وگو درباره فلسفه سنتی بپردازم، عموماً علمایی محترم بودند. آنچه که در ایران مدرن امروز شگفت‌انگیز است این است که در این کشور امروز به جوانان نخبه‌ای برمی‌خوریم که در عین حالی که در غرب درس خوانده‌اند و از تعالیم غربی بهره‌مند شده‌اند، به این فلسفه سنتی وفادار مانده و علاقه شدیدی به آن نشان می‌دهند؛ فلسفه‌ای که در میان تمامی کشورهای اسلامی، ایران رسالت



دکتر داریوش شایگان در پرونده سوری کربن - پاییز ۱۳۴۸

آماده‌سازی آن را در طی قرون برعهده داشته است.

داریوش شایگان نمونه به حق این نسل - بنا است که سنشان در حدود سی سال در نوسان است. او از جمله افرادی است که در عین بهره‌مندی از آموزش «مدرن» در غرب، روح خود را حفظ کرده و به فرهنگ معنوی سنتی ارزشی والاتر بخشیده است.

داریوش شایگان قبل از هر چیز باتوجه به آموزش و علایق شخصی‌اش فیلسوف محسوب می‌شود اما همچون هر فیلسوف ایرانی، فیلسوفی است که هیچ چیز در آنچه به مسیر عارفانه مربوط می‌شود برای او غریبه نیست. یکی از آثار موفق و درخشان او رساله دکترایش است که من همچون استادی که به کار شاگردش افتخار می‌کند، شاهد آن بوده‌ام. در این رساله که «آیین هندو

و عرفان اسلامی» نام دارد، کتاب شاهزاده بدقبال مغول، داراشکوه را بررسی می‌کند.

شناخت او از سانسکریت، رشته‌ای که شایگان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کند، به وی همچنین این امکان را داده است که «تاریخ ادیان و مکتبهای فلسفی هند» را در دو جلد به زبان فارسی منتشر کند. باید اضافه کنم که او بحث درباره هایدگرا را به همان اندازه بحث درباره ملاصدرا شیرازی دوست دارد و همین نشان‌دهنده وسعت مشغولیات ذهنی این پلیر ایرانی جوان و درخشان است.

شایگان برای رشته و نشان دادن رسالت مضاعف فلاسفه و شعرای ایرانی زبان ما [فرانسه] را انتخاب کرده است. شفافیت و خوش‌آهنگی کلامش انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نظر شایگان، غرض از شعر طرح معما برای خواننده نیست، او به طور تحسین‌ناپذیر، بر ظرایف زبان ما تسلط دارد و با استفاده از این ظرایف است که رموز جادویی شعر را برآورد می‌سازد.

رموزی که هیچ کلامی قادر به بیان نیست و به واسطه کلام و زبان فقط می‌توان آن را به ذهن متبادر ساخت؛ که هیچ تعارضی زاهدانه‌ای میان عشق انسانی و عشق الهی وجود ندارد چرا که لازمه یکی، دیگری است و این چیزی است که هر عارف ایرانی از زمان روزبهان شیرازی رسماً بزرگ ایرانی، حافظ، آن را می‌داند. و این شاید دلیل نوسان همیشگی میان شر و حق و عذاب و غیاب باشد؛ این تقارن اطمینان و ناامیدی که در دوست و همکار ایرانی مانده‌ای بینیم. تقارنی که وصف‌کننده «زائر گم‌گشته» است که همچون «یتیمی که سرگشته‌اش را می‌سازد» تلاش می‌کند.

هانری کرین

پاریس، ماه مه ۱۹۷۲